

خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران در گفت‌وگو با حمید احمدی

مقدمه:

حزب توده یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین احزابی است که در تاریخ تحزب و تحولات سیاسی اجتماعی ایران پا به عرصه گذاشته است. حزب توده در دهه دوم قرن حاضر با تشکیلات قوی خود توانست به صورت نیرویی سازمان یافته در تاریخ معاصر ایران حضور یابد. این حزب از زمان تشکیل خود در سال ۱۳۲۰ هـ.ش تا فروپاشی قطعی در سال ۱۳۶۲، فراز و نشیب‌های گوناگونی را پشت سر گذاشت، سران آن در چندین مرحله دستگیر و زندانی یا متواری شدند. عده‌ای از آنان در سال ۱۳۲۵ بعد از ماجرای تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان، عده‌ای دیگر بعد از ماجرای ترور شاه در بهمن ۱۳۲۷، عده‌ای بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بالاخره مابقی در پی کشف سازمان نظامی حزب در سال ۱۳۳۳ به سرنوشت زندان یا فرار دچار شدند.

برخی از محققان تاریخ تشکیل سازمان‌های مارکسیستی در ایران را به سه دوره «سوسیال دمکراسی» از آغاز تا تشکیل حزب کمونیست ایران (۱۲۹۹): «کمونیستی» (از ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰) و «توده‌ای» (۱۳۲۰ تا انقلاب ۱۳۵۷) تقسیم کرده‌اند.

حزب توده در واقع سومین نسل از همان کمونیست‌های اولیه رادر خودش جای داده بود. سلیمان میرزا اسکندری، رضا روستا واردشیر آوانسیان از سوسیالیست‌های قدیمی بودند.

مؤسسان حزب توده، اعضای گروه معروف به «۵۳ نفر» بودند که در فضای باز سیاسی سال‌های پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، قدرت و مجال فعالیت یافتند. حزب توده پس از اعلام موجودیت، فعالیت‌های گسترده‌ای را برای جذب افراد مختلف آغاز کرد و موفق شد با تبلیغات وسیع خویش در سطح کشور و به خصوص تهران، تعدادی از افراد جامعه را به عضویت خود در آورد. حزب دارای سازمان‌های وابسته متعددی چون، سازمان جوانان، زنان، کارگران، دهقانان، اصناف و... بود.

یکی از سازمان‌های وابسته حزب توده، سازمان افسران بود که زمان تشکیل آن به سال ۱۳۲۲ بازمی‌گردد و هسته اولیه آن توسط خسرو روزبه، سرهنگ سیامک و عبدالصمد کامبخش پی‌ریزی شد. تأسیس سازمان افسران، نفوذ حزب در بین دانشجویان دانشکده‌های افسری را به دنبال داشت. پایان خوشی

• کریم جعفری



• خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران

در گفت‌وگو با حمید احمدی

• تألیف: مرتضی زر بخت

• ناشر: ققنوس، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۳۴۴ ص،

۹۶۴-۳۱۱-۴۶۱-۹ شابک ۲۵۰۰۰ ریال، شابک ۹۶۴-۳۱۱-۴۶۱-۹

زر بخت در جریان فعالیت فرقه

دمکرات، در آذربایجان حضور داشته و با

افراد زیادی برخورد کرده است؛ بنابراین

در خاطرات خود تا اندازه‌ای

اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

حکومت فرقه دمکرات آذربایجان را نیز

بیان کرده است

کتاب «خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران»، خاطرات مرتضی زربخت، خلبان سابق نیروی هوایی ارتش و از اعضای حزب توده را از بدو تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی شامل می‌شود

قسمتی از خاطرات زربخت که حوادث بین سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۵ را در برمی‌گیرد با تفصیل بیشتری همراه است، شامل نکات ناگفته بسیاری است که بر اهمیت کتاب می‌افزاید

برای هیچ‌کدام از افراد جذب شده به سازمان افسران در پیش نبود، زیرا تعدادی اعدام شدند و بسیاری هم به زندان و تبعید رفتند.

کتاب خاطراتی از سازمان افسران حزب توده ایران، حاصل گفت‌وگوی حمید احمدی با مرتضی زربخت از اعضای سابق حزب توده و از افسران عضو آن حزب است.

کتاب حاضر خاطرات مرتضی زربخت، خلبان سابق نیروی هوایی ارتش از بدو تولد تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ را شامل می‌شود. این خاطرات در آبان ماه ۱۳۷۴ / نوامبر ۱۹۹۵ در گفت‌وگو باحمید احمدی در چارچوب «طرح تاریخ شفاهی چپ ایران» در برلین شکل گرفته است.

این کتاب از چند جنبه قابل تأمل است:

اول آنکه از زبان یک افسر توده‌ای به چگونگی جذب نظامیان به حزب توده می‌پردازد.

دوم، بیان کاملی است از وضعیت ارتش و روحیه نظامیان در خلال اشغال ایران توسط متفقین.

سوم: تا حدود زیادی نمایی مشروح در مورد چگونگی شکل‌گیری فرقه دمکرات آذربایجان، چگونگی تشکیل ارتش آن فرقه و وابستگی آن به شوروی‌ها به دست داده است.

چهارم: چون زربخت در جریان فعالیت فرقه دمکرات، در آذربایجان حضور داشته و با افراد زیادی برخورد کرده است؛ بنابراین در خاطرات خود تا اندازه‌ای اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حکومت فرقه دمکرات آذربایجان را نیز بیان کرده است. پنجم: به دلیل پیوستن زربخت به حکومت کرد مهاباد از فرار پیشه‌وری تا تسلیم به نیروهای عراقی، می‌توان تحولات این منطقه و فعالیت‌های ایل بارزان و نقش آن در وقایع آن ایام را هم به‌صورتی گویا در این کتاب پی‌گیری کرد.

ششم: سه سال زندان در عراق باعث شده تا زربخت اندکی هم در مورد تحولات عراق توضیح دهد.

هفتم: پس از بازگشت به ایران و محاکمه و تبعید به جزیره خارک به همراه ده‌ها توده‌ای دیگر، زربخت به ماجراهایی که پشت‌پرده در جریان بوده و هنگام تبعید از آنها با خبر شده نیز اشاره می‌کند.

در ضمن کتاب، سیمایی کلی از وضعیت جزیره خارک قبل از ورود شرکت نفت به آن منطقه به دست می‌دهد. قسمتی از خاطرات زربخت که حوادث بین سال‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۵ را در برمی‌گیرد با تفصیل بیشتری همراه بوده و تقریباً شامل نکات ناگفته بسیاری است که بر اهمیت کتاب افزوده است. کتاب به نه بخش تقسیم می‌شود:

۱. مختصری از کودکی تا ورود به مدرسه نظام: در این دوره وی به دلیل فشار مالی، طبق تصمیم خانواده وارد مدرسه نظام می‌شود و در آنجا دوره‌های لازم را طی می‌کند. او در توصیف مدرسه نظام از یک اختلاف طبقاتی آشکار صحبت می‌کند. این‌که به آنها غذا داده نمی‌شد و بعضی اوقات آنها را از پسران اعیان و اشراف جدا می‌کردند، به گفته زربخت پسران اعیان و اشراف که بعدها از سران نظامی مملکت شدند، فقط به واسطه موقعیت‌شان در مدرسه نظام قبول می‌شدند، وگرنه حرفی برای گفتن نداشتند.

۲. از ورود به دانشکده افسری تا عضویت در حزب توده: در این بخش زربخت چگونگی ورود خود به دانشکده افسری را توضیح می‌دهد، به خصوص این‌که او رشته هوایی را انتخاب کرده بود، زربخت در فرودگاه دوشان‌تپه و سپس در پایگاه اصفهان دوره‌های لازم را می‌بیند. به گفته خودش، در این زمان نظامیان به شدت طرفدار آلمان‌ها بوده، آنها را نجات‌بخش ایران می‌دانستند و منتظر ورود آلمان‌ها به مرزهای ایران بودند تا به آنها ملحق گردند. در این زمان زربخت نیز به همراه دو تن دیگر به سمت کرمانشاه به راه می‌افتند تا با گذر از عراق و سپس ترکیه خودشان را به آلمانی‌ها برسانند که به دلیل عدم وجود وسیله پشیمان شده و باز می‌گردند. در این اوضاع فروغی نخست‌وزیر با متفقین قرارداد همکاری امضاء کرده بود، به همین دلیل عده‌ای از دانشجویان افسری طرح ترور فروغی را مطرح می‌کنند که با استعفای فروغی این طرح کنار گذاشته شد. زربخت جذب خود به حزب توده را ناشی از خواندن کتابی تحت عنوان جامعه‌شناسی نوشته احمد قاسمی می‌داند. همچنین مقاومت ارتش شوروی در شهر استالین‌گراد را عامل دیگر این امر برمی‌شمرد.

زندان قصر اشاره نموده است. سپس آنها را به خارک می‌فرستند. در این جزیره تعداد زیادی از سایر توده‌ای‌ها هم بودند که تعداد آن‌ها به حدود صدو بیست نفر می‌رسید. ماجراها و اتفاقاتی که زربخت از تبعیدگاه خارک نقل می‌کند در جای خود بسیار جالب و خواندنی است.

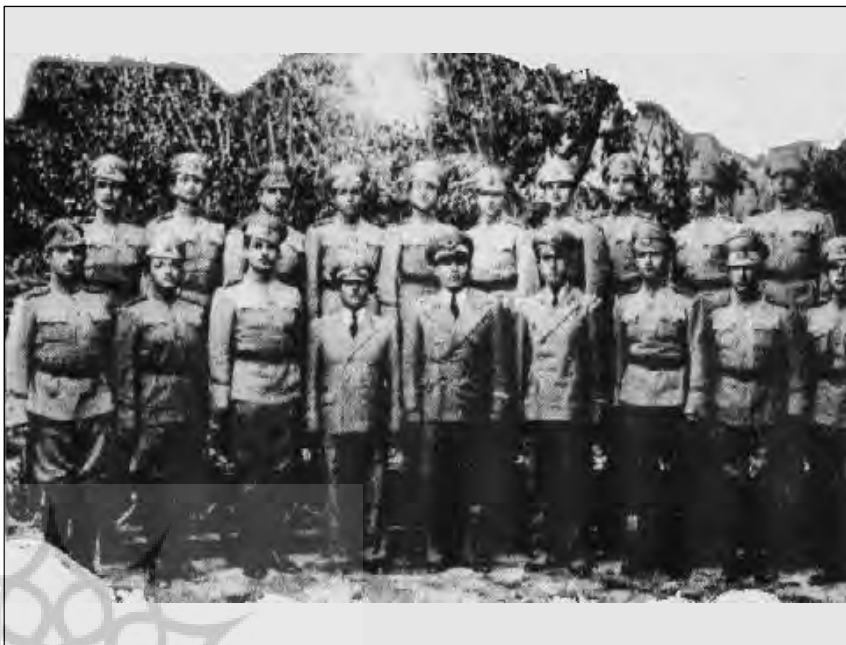
از جمله نکات مهمی که زربخت در ضمن حوادث خارک به آن اشاره می‌کند. ماجرای ترور شاه توسط ناصر فخر آرایبی است. عبدالله ارگانی از اعضای حزب توده که به همراه سایر توده‌ای‌ها در تبعیدخارک به سر می‌برده، ماجرا را برای زربخت این‌گونه تعریف می‌کند که برخلاف آنچه نورالدین کیانوری در خاطراتش می‌گوید، وی کاملاً از ماجرای ترور شاه آگاه بوده و خودش دستور این کار را صادر کرده است. حتی اسلحه دوم ناصر فخر آرایبی هم با پول کیانوری خریداری می‌شود، هرچند کیانوری در انکار این موضوع از هر دری وارد شده؛ ولی این اعتراف ارگانی به زربخت نشان‌دهنده همکاری مستقیم او با ناصر فخر آرایبی بوده است.

۸. انتقال به زندان قصر: چون در این زمان جزیره خارک در حال تبدیل شدن به پایانه صادرات نفتی ایران بود، بنابراین بار دیگر زربخت و دیگر توده‌ای‌ها را در گروه‌های جداگانه به زندان قصر منتقل کردند. پس از لو رفتن سازمان افسری، تعدادی از آنها را اعدام و عده‌ای دیگر به حبس ابد محکوم شدند. اینها از عدم حمایت رهبری حزب که به خارج فرار کرده بود، رنج می‌بردند. بختیار و سپس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، چنان بلایی بر سر زندانیان توده‌ای آورده بود که هر شب آنها را مجبور می‌کردند تا سرود بخوانند و در اعیاد و مراسم با فرستادن کارت تبریک به درگاه‌های یونی از وی طلب عفو و بخشش کنند. وجود این جو اوج ذلت و خواری اعضای حزب توده را می‌رساند.

۹. زربخت بالاخره در بهمن ماه سال ۱۳۳۷، به همراه تعدادی دیگر از همراهانش آزاد شده و زندگی عادی را از سر می‌گیرد. با وجود این که او پس از آزادی به زندگی عادی بازگشته و کمتر پی سیاست را گرفته، ولی اطلاعاتی که از افراد توده‌ای در طول زمان آزادی تا انقلاب ۵۷ ارائه می‌دهد بسیار قابل توجه است، چرا که در ضمن آن می‌توان گرایش‌ها و اندیشه‌های آنان را در سال‌های آزادی جست‌وجو کرد.

روایت مرتضی زربخت از حزب توده بیانی ساده و روان است که خواننده را به پی‌گیری آنچه اتفاق افتاده وامی‌دارد. شخصیت‌پردازی‌ها و توصیفات او از اشخاص و محیط تصویری زنده و شفاف روبروی خواننده قرار می‌دهد و او را به متن ماجرا رهنمون می‌شود. البته در اینجا نباید از هنر حمید احمدی هم چشم پوشید. او با آگاهی و تسلطی که بر ماجرا و حوادث دارد، سوالاتش را به موقع می‌پرسد و در مواقع ضروری، در مقام پاسخ‌گویی برآمده و گفته‌های زربخت را تا حدود زیادی کامل می‌کند.

به هر حال این خاطره‌نگاری برای محققان تاریخ معاصر سودمند است. کتاب در قسمت پایانی خود یادداشت‌هایی دارد و سپس با تصاویری از اعضای حزب توده به پایان می‌رسد.



۳. همکاری با حکومت فرقه آذربایجان: در این مرحله بنا به دستور مقامات حزب، زربخت به همراه جودی، دیگر هم دوره‌ای خود، با دو فروند هواپیما از تهران به تبریز رفته و به این ترتیب اساس نیروی هوایی ارتش فرقه دمکرات آذربایجان را پی‌ریزی می‌کنند. این همکاری تا زمان قرارداد قوام - سادچیکف که طی آن ارتش شوروی ایران را تخلیه کرد و ارتش ایران برای برگزاری انتخابات وارد مناطق تحت نفوذ فرقه شد، ادامه داشت.

۴. همکاری با حکومت کرد مهاباد: در مهاباد زربخت و افسران همراهش به نیروهای ملامصطفی بارزانی، فرمانده ارتش دولت مهاباد می‌پیوندند. آنها تا زمان عقب نشینی بارزانی‌ها به داخل عراق و سپس راه افتادن به سمت شوروی با آنها بوده‌اند. زربخت به همراه سایر افسران فراری در جریان درگیری‌های بارزانی‌ها با ارتش حضور داشته است، از این رو گزارش‌های مفیدی از اوضاع واحوال قاضی محمد و ملامصطفی به خواننده ارائه می‌دهد.

۵. در زندان‌های عراق: افسران فراری که تحت تعقیب ارتش ایران قرار گرفته بودند، خود را به نیروهای عراقی تسلیم کردند و از این زمان به مدت سه سال در بازداشتگاه‌های مختلف عراق محبوس شدند. سرانجام در سال ۱۳۲۹ در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا به دولت ایران تحویل داده شدند.

۶. محاکمه در ایران: پس از تحویل به ایران، آنها را به زندان منتقل و پس از تشکیل دادگاه، یکی از آنها - تفرشیان - به اعدام و زربخت به همراه بقیه به حبس ابد محکوم می‌شوند که پس از فرجام‌خواهی همه با یک درجه کاهش مجازات روبه‌رو شدند.

۷. در تبعیدگاه خارک: پس از تخفیف مجازات، زربخت، به همراه سایر توده‌ای‌ها به زندان قصر منتقل شد. در این بخش به ماجراهایی از فرار سران حزب توده و سپس فضای سیاسی

از جمله نکات مهمی که زربخت در ضمن حوادث تبعید خود به جزیره خارک به آن اشاره می‌کند، ماجرای ترور شاه توسط ناصر فخر آرایبی و حقایقی در آن مورد است